

بررسی یک ترجمه: ذهن در آمدی بر علوم شناختی

ذهن: درآمدی بر علوم شناختی؛ پاول تاگارد؛ رامین گلشائی؛ تهران: پژوهشکده علوم شناختی، ۱۳۹۱.

و ارزیابی نظریه‌های بازنمایی ذهنی شامل منطق، قواعد، مفاهیم، تمثیل، تصاویر، پیوندها می‌داند. کتاب دارای دو بخش (رویکردها و ضمائیم) و چهارده فصل است و در انتها پیوستی با عنوان منابع علوم شناختی به آن افزوده شده است. گفتنی است که مدخل علوم شناختی (Cognitive Science) در دایرةالمعارف استنفورد (Stanford) که به قلم تاگارد نوشته شده، به نوعی تلخیص این کتاب است.

پیش از پرداختن به ترجمه، باید یادآور شوم که اولاً چون کتاب حاضر به دانشی می‌پردازد که عمر آن از چند دهه فراتر نمی‌رود و ثانیاً نخستین کتابی است که در این حوزه به فارسی برگردانده شده، باید شجاعت مترجم را در ترجمه این اثر نه چندان ساده ستود.

محاسن این ترجمه عبارتند از:

۱. در ترجمه سعی شده هیچ مطلبی از قلم نیفتد. به عبارت دیگر مترجم تلاش کرده رسم امانت‌داری را حفظ کرده و به قول معروف از بای بسم الله تا تای تمت را به فارسی برگرداند.

۲. مترجم از معادل‌گذاری‌های فارسی که به تصویب فرهنگستان زبان و ادب پارسی رسیده به خوبی استفاده کرده است.

۳. مترجم تلاش کرده برخی از مثال‌هایی را که در فرهنگ و زبان ایرانی نامأنوس است، تغییر داده و معادل‌های مناسب در زبان مقصد برای آنها بیابد.

۴. همان‌طور که مترجم در مقدمه خود اشاره می‌کند، تلاش کرده نشانی

چکیده: کتاب ذهن: درآمدی بر علوم شناختی اثر پاول تاگارد کتابی در حوزه علوم شناختی است که تقریباً تمام حوزه‌های این دانش را دربرمی‌گیرد. رویکرد تاگارد در کتاب مذکور، توصیف و ارزیابی نظریه‌های بازنمایی ذهنی شامل منطق، قواعد، مفاهیم، تمثیل، تصاویر و پیوندها است. این کتاب در سال ۱۳۹۱ به ترجمه رامین گلشائی توسط انتشارات سمت به زیور طبع آراسته شده است. هدف نگارنده این سطور، بررسی ترجمه کتاب درآمدی بر علوم شناختی است. وی در راستای این هدف، پس از شمردن محاسن این ترجمه، با ارائه شاهد مثال‌هایی، اشکال‌های کتاب را در دو بخش اشکال‌های محتوایی و ساختاری به تصویر می‌کشد.

کلیدواژه: کتاب ذهن: درآمدی بر علوم شناختی، پاول تاگارد، علوم شناختی، بازنمایی ذهنی، نظریه‌های بازنمایی ذهنی، معرفی و نقد کتاب.

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) به همراه پژوهشکده علوم شناختی در سال ۱۳۹۱ برگردانی به مترجمی رامین گلشائی از کتاب Mind: Introduction to Cognitive Science تألیف پاول تاگارد (Pual Thagard) با عنوان ذهن: درآمدی بر علوم شناختی روانه بازار کردند. کتاب تاگارد همان‌طور که از نامش پیداست، درآمدی بر علوم شناختی است که ویراست دوم آن در سال ۲۰۰۵ توسط انتشارات ام. آی. تی (MIT) منتشر شده است. تاگارد خود از متخصصان بنام در حوزه علوم شناختی است و کتاب وی تقریباً تمام حوزه‌های این دانش را در برمی‌گیرد. مؤلف در پیشگفتار اشاره می‌کند که این کتاب به عنوان یک متن درسی برای دانشجویانی نوشته شده که هیچ آشنایی با حوزه‌های علوم شناختی نداشته، اما مایلند واحد درسی در این حوزه بگذرانند. تاگارد در پیشگفتار سه شیوه مختلف را برای معرفی علوم شناختی ذکر می‌کند و رویکرد خود را در کتاب مزبور، توصیف

- واژه experiment در سراسر متن به آزمایش ترجمه شده، در حالی که دست کم می‌توان ادعا کرد که مناسب بود در اغلب موارد به تجربه، برگردانده شود.

- ص ۱۶

People, ..., are brought into the laboratory so that different kinds of thinking can be studied

ترجمه گلشائی: آنها افرادی را به آزمایشگاه می‌برند و انواع تفکراتشان را... مطالعه می‌کنند.

ترجمه درست: آنها افرادی را به آزمایشگاه می‌برند و انواع گوناگون تفکر را... مطالعه می‌کنند.

- ص ۱۶

Although theory without experiment is empty, experiment without theory is blind.

ترجمه گلشائی: اگرچه نظریه بدون آزمایش پوچ و بی‌معنی است، آزمایش بدون نظریه نیز فاقد بصیرت است.

نکته: عبارت فوق که یادآور کانت است، به همبستگی نظریه و تجربه اشاره می‌کند. فارغ از انتخاب نامناسب آزمایش برای experiment که قبلاً بدان اشاره شد، مترجم در برگردان فارسی از واژگانی استفاده کرده که تا حدود زیادی از معنای ارزشی برخوردار است. مسلماً نظریه بدون آزمایش بی‌معنی نیست. بنابراین به نظرمی رسد بهتر است این‌گونه ترجمه شود: اگرچه نظریه بدون تجربه تهی است، تجربه بدون نظریه نیز کور است.

- ص ۱۹

Philosophy of mind does not have a distinct method, but should share with the best theoretical work in other fields a concern with empirical results.

ترجمه گلشائی: فلسفه ذهن دارای روش متفاوتی نیست، بلکه باید نظیر پژوهش‌های برجسته نظری در دیگر رشته‌ها، دغدغه مسائلی را داشته باشد که به نتایج تجربی منتهی شوند.

ترجمه درست: فلسفه ذهن دارای روش متفاوتی نیست بلکه باید نظیر پژوهش‌های برجسته نظری در دیگر رشته‌ها، با نتایج تجربی مرتبط باشد.

- ص ۱۹

In its weakest form, cognitive science is merely the sum of the fields just mentioned.

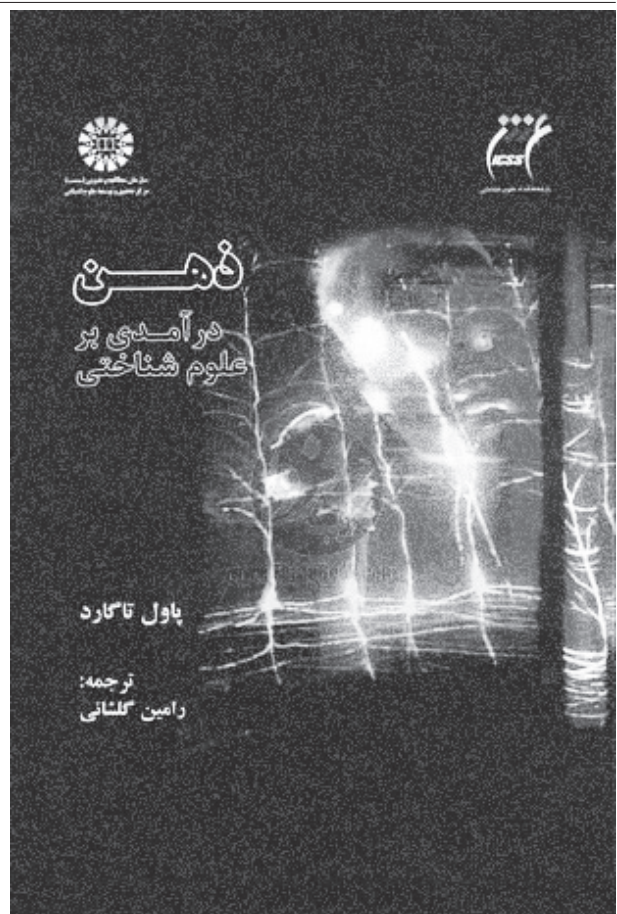
وبگاه‌ها را که ممکن است از سال تألیف تا سال ترجمه تغییر کرده باشند به روز کند.

با این همه مشکلاتی در ترجمه دیده می‌شود که نمی‌توان از آنها چشم‌پوشید. خطاهای ترجمه‌ای گاه چنان بزرگ هستند که بی‌تردید می‌توان ادعا کرد مترجم نتوانسته مقصود مؤلف را برای مخاطب فارسی‌زبان بیان نماید. در این بین فصل یازده که به آگاهی اختصاص یافته دارای بیشترین اشکال است. من در ادامه به برخی از اشکال‌ها اشاره می‌کنم. امیدوارم که دست‌کم در چاپ بعدی مقابله کاملی با متن اصلی صورت گیرد. اشکال‌های ترجمه را به اختصار می‌توان به دو بخش اشکال‌های محتوایی و ساختاری تقسیم کرد. یادآور می‌شوم که آنچه در پی می‌آید تنها بخشی از مشکلات است و نه همه آنها.

۱. اشکال‌های محتوایی

- واژه consciousness که در چند جای کتاب آمده و فصل جداگانه‌ای به آن اختصاص یافته، به خودآگاهی ترجمه شده، در حالی که ترجمه صحیح آن آگاهی است.

- واژه Knowledge معمولاً به معرفت و Science به دانش ترجمه می‌شود، درحالی که مترجم در ترجمه Knowledge از واژه دانش استفاده کرده است.



حالی که استدلال تمثیلی صحیح است.

- ص ۲۲۹

واژه "Idealists" آرمان‌گرایان ترجمه شده، در حالی که به دلیل قرارگرفتن این واژه در بافت فلسفه ذهن، قطعاً ترجمه درست ایده‌آلیست‌ها است.

- ص ۲۲۹

Another version of materialism ... views consciousness as emerging from the biological complexity of the human brain, not just from its computational functions.

ترجمه گلشائی: نسخه دیگری از ماده‌گرایی... خودآگاهی را ناشی از پیچیدگی زیست‌شناختی مغز انسان می‌داند، نه فقط ناشی از کارکردهای رایانشی آن.

نکته: واژه emerge در فلسفه ذهن دارای بار معنایی خاصی است و دلالت بر نظریه‌ای می‌کند که از آن به نوحاسته‌گرایی تعبیر می‌شود، پس درست آن بود که مترجم به این مسئله توجه می‌کرد و تنها به ترجمه تحت‌اللفظی آن بسنده نمی‌کرد.

- ص ۲۲۹

You know what it's like to be you...

ترجمه گلشائی: شما می‌دانید مثل شما بودن به چه معناست

نکته: عبارت فوق اصطلاحی فنی در فلسفه ذهن است که نخستین بار توسط تامس نیگل (Nagel) در مقاله کلاسیک خود با عنوان What is it like to be a Bat مطرح شد. وی در این مقاله اثبات کرد که هر قدر دانش گسترش یابد، باز هنوز قادر نیست جنبه‌ی سوپزکتیو و آگاهی‌پدیداری یک موجود آگاه را تبیین نماید، پس ترجمه دقیق عبارت مذکور می‌تواند چنین باشد: شما می‌دانید که خودتان چه جور چیزی هستید.

- ص ۲۲۹

Imagine what it would be like to be a bat, with a very different set of experiences.

ترجمه گلشائی: تصور کنید مانند یک خفاش بودن و داشتن تجارب متفاوت چه حسی می‌تواند داشته باشد.

نکته: اشکال قبلی در ترجمه این عبارت نیز خود را نشان می‌دهد، پس ترجمه درست چنین است: در نظر بگیرید، خفاش بودن با انواع گوناگونی از تجارب چه جور چیزی است.

- ص ۲۲۹

ترجمه گلشائی: علوم شناختی در ضعیف‌ترین حالت، صرفاً مجموع رشته‌هایی است که نام برده شد.

نکته: انتخاب ضعیف‌ترین در متنی که حاوی هیچ معنای ارزشی نیست، مناسب به نظر نمی‌رسد. شاید بهتر بود به جای آن از واژه خفیف‌ترین استفاده می‌شد.

- ص ۲۰

Much of CRUM's success has been due to the fact that it employs a fertile analogy derived from the development of computers.

ترجمه گلشائی: عمده موفقیت فربان به دلیل این واقعیت بوده که این رویکرد از تمثیلی زایا برگرفته از پیشرفت‌های رایانه استفاده می‌کند.

نکته: بهتر بود مترجم به جای تمثیل زایا، از تمثیل سازنده استفاده می‌کرد. نیز در متن اصلی این رایانه است که جمع بسته شده، نه پیشرفت، پس عبارت «پیشرفت رایانه‌ها» مناسب است.

- ص ۲۰

واژه telephone switchboard به صفحه کلید تلفن ترجمه شده، در حالی که مقصود از این اصطلاح سیستمی است که در یک اداره یا شرکت استفاده می‌شود تا راهنمای تماس‌گیرندگان باشد و امروز از این سیستم به تلفن گویا تعبیر می‌شود. اگر مترجم کمی دقت می‌کرد، متوجه می‌شد که معنا ندارد ذهن به صفحه کلید تلفن تشبیه شود.

- ص ۶۰

People have mental representations similar to sentences in predicate logic.

در ترجمه گلشائی predicate logic سهواً به منطوق گزاره‌ای ترجمه شده، در حالی که منطوق محمولات صحیح است.

- ص ۶۱

...since more efficient and psychologically natural methods of computation may be needed to explain human thinking.

ترجمه گلشائی: ... زیرا ممکن است برای تبیین تفکر انسان، به روش‌های کارآمدتر و به لحاظ روان‌شناختی طبیعی‌تری نیاز باشد.

نکته: در ترجمه گلشائی، واژه‌ای که زیر آن خط کشیده شده ترجمه نشده است.

- ص ۱۱۰

عبارت analogical reasoning به استدلال قیاسی ترجمه شده، در

واژه zombies به مردگان متحرک ترجمه شده، در حالی که این واژه اصطلاحی فلسفی است و دلالت بر موجوداتی فرضی می‌کند که رفتار و کارکردی کاملاً مشابه ما انسان‌ها دارند، اما از هرگونه جنبه سوپرناتیو بی‌بهره‌اند، پس شایسته است به همان زامبی ترجمه شود.

- ص ۲۲۹

Some dualists think that ... consciousness is not identical to any physical process.

ترجمه گلشائی: برخی از دوگانه‌انگاران تصور می‌کنند که ... خودآگاهی با هیچ فرایند فیزیکی ای معادل نیست.

نکته: واژه identical واژه فنی و فلسفی است که دلالت بر نظریه اینهمانی می‌کند. بدین منظور لازم است در ترجمه از واژه اینهمان استفاده کرد که بر این نظریه دلالت نماید.

- ص ۲۴۳

Core consciousness occurs when the brain's representation devices generate an imaged nonverbal account of how the organism's own state is affected by the organism's processing of an object.

ترجمه گلشائی: خودآگاهی مرکزی زمانی رخ می‌دهد که ابزارهای بازنمودی مغز گزارشی تصویری و غیرکلامی تولید می‌کنند که چگونه حالت موجود زنده از پردازش یک شیء توسط خود موجود زنده متأثر می‌شود.

ترجمه درست: آگاهی مرکزی زمانی رخ می‌دهد که ابزارهای بازنمودی مغز روایتی مصور و غیرکلامی از نحوه تحت تأثیر قرار گرفتن خود حالت اندامواره بوسیله پردازش اندامواره از یک شیء، خلق می‌کنند.

۲. اشکال‌های ساختاری

مترجم معادل رایانش را برای واژه computation برگزیده که هرچند صحیح است، اما بهتر بود در مقدمه خود به این معادل‌گذاری اشاره کرده و مقصود خود را برای واژه‌ای که در بیشتر صفحات کتاب تکرار می‌شود ذکر می‌کرد.

معلوم نیست چرا مترجم در ابتدای کتاب، به معادل‌های انگلیسی اسامی خاص در پانوشت اشاره می‌کند (برای نمونه صفحات ۱۳ و ۱۴، اما در بقیه کتاب این کار صورت نگرفته است.

همچون اسامی خاص، مترجم درباره اصطلاحات فنی نیز همین کار را کرده است؛ یعنی در ابتدای کتاب شاهد معادل‌های اصلی انگلیسی در پانوشت هستیم، اما پس از آن خبری از این اصطلاحات نیست. (برای نمونه رک به ص ۸۶، درباره اصطلاحات قاب، طرحواره، و فیلمنامه)